**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری**

جلسه90 – 26/ 1/ 1397 **شبهات غیر محصوره /قاعده احتیاط**

خلاصه:

بحث در شبهه غیر محصوره بود. شهید صدر; بحث را در دو مرحله پی گرفته: یک آنکه آیا با توجه به ادله اصول، علم اجمالی از تنجیز ساقط می شود؟ و دو آیا ذاتا و بدون در نظر گرفتن ادله اصول، علم اجمالی در شبهه غیر محصوره از تنجیز ساقط است؟ ایشان در مرحله اول فرمود: محذوری که در شبهه محصوره مانع جریان اصول است، محذوری عقلایی ارتکاز مناقضه بین حکم الزامی واقعی و حکم ترخیصی است نه عقلی و این محذور در شبهات غیر محصوره وجود ندارد.

در جلسه گذشته بیان شد: ارتکاز مناقضه در شبهات غیر محصوره نسبت به مرحله مخالفت قطعیه وجود داشته و ارتکاز مناقضه تنها نسبت به مرحله وجوب موافقت قطعیه و لازم المراعات بودن انجام تمام اطراف موجود است که روایت ابو الجارود نیز بر فرض نظارت به علم اجمالی آن را با عبارت **«امن اجل مکان واحد حرّم فی جمیع الارضین»** مستنکر دانسته است.

این مباحث مطابق مبانی شهید صدر; بود. در این جلسه بحث را با توجه به مبانی مورد پذیرش طرح می کنیم هر چند از نظر نتیجه تفاوت جدّی ندارد اما از نظر روشن و شیوه، تفاوت هایی با کلام شهید صدر; دارد.

**جریان اصول در جمیع اطراف شبهه غیر محصوره بنا بر مبانی مورد پذیرش**

ما در بحث تنجیز علم اجمالی بیان کردیم: اگر حکم واقعی فعلی باشد، اصل در اطراف علم اجمالی و حتی شبهه بدویه جریان نداشته و اگر حکم واقعی فعلی نباشد، اصل هم در شبهه بدویه و هم علم اجمالی در جمیع اطراف می­تواند جریان داشته باشد. از ادله اصول استفاده می­شود که حکم واقعی نسبت به ظرف شک، فعلیت ندارد و به همین دلیل اصول در شبهات بدویه جریان دارد. حال اگر نسبت به ظرف شک مقرون به علم اجمالی نیز فعلی نبودن حکم واقعی احراز شود، مانعی از اجرای اصول نیست. اما با توجه به اخبار خاصه که علم اجمالی را تنجیز می­کند، نمی­توان گفت ادله اصول شامل اطراف علم اجمالی نیز می­باشد.

از سویی دیگر، ترخیص شارع در جمیع اطراف شبهات غیر محصوره و حکم به جریان اصول، مخالف ارتکازی عقلایی است بدین صورت که به نظر عقلا حکم واقعی به درجه­ای از اهمیت است که در ظرف علم اجمالی به فعلیت رسیده و شارع نمی­تواند با ترخیص خود، ملاک واقعی الزامی را تفویت کند. اما نسبت به ترخیص در برخی از اطراف، چنین ارتکاز عقلایی وجود ندارد مانند شبهه بدویه که در آنجا نیز جریان اصول مخالف ارتکاز عقلایی نیست. البته این بحث تنها از نظر ثبوتی بوده و باید بحث کرد که آیا اثباتاً دلیلی بر ترخیص در برخی از اطراف علم اجمالی داریم؟

از منظر اثباتی نیز جریان اصول در برخی از اطراف علم اجمالی در شبهات محصوره مشکل ترجیح بلا مرجح دارد بدین معنا که جریان اصول ترخیصی با توجه به عمومیت آنها در جمیع اطراف، مخالف ارتکاز عقلایی و روایات خاصه دالّ بر تنجیز علم اجمالی در شبهات محصوره بوده و جریان اصل در یکی از دو طرف نه طرف دیگر، نیازمند مرجّح است که با توجه به نبود تفاوت بین دو طرف از نظر عقلایی، اصل جریان نخواهد داشت.

تمام این مطالب درباره شبهه محصوره بود. اما آیا این بیانات در شبهه غیر محصوره نیز جریان داشته و مانع اجرای اصول در جمیع اطراف یا برخی از اطراف است؟

به نظر می­رسد هیچ یک از دو بیان طرح شده در شبهه محصوره، در شبهه غیر محصوره جریان ندارد زیرا:

اولا: روایات خاصه تنها درباره شبهه محصوره بوده و بیانی عام ندارد تا شامل شبهه غیر محصوره باشد. پس نمی­توان با توجه به روایات خاصه، شبهه غیر محصوره را از تحت ادله اصول خارج کرد.

ثانیا: ارتکاز این بود که از منظر عقلا شارع نمی­تواند با ترخیص خود مصلحت واقعیه را به نحو قطعی تفویت کند. هر چند لازمه ترخیص در جمیع اطراف شبهه محصوره تفویت قطعی مصلحت واقعیه است اما لازمه ترخیص در جمیع اطراف شبهه غیر محصوره، تفویت قطعی مصلحت واقعیه نیست زیرا هر چند جمیع اطراف شبهه غیر محصوره در محلّ ابتلا باشد اما متعارفاً از نظر عقلایی داعی بر اتیان مجموع افراد وجود ندارد و همین باعث می­شود، که ترخیص در جمیع اطراف، تفویت قطعی مصلحت واقعیه نباشد. مثلاً در مورد جبن­های موجود در شهر، تمام این پنیرها در محلّ ابتلا بوده و امکان دارد شخص از هر یک از مغازه­های شهر، پنیر بخرد و همین به معنای در محلّ ابتلا بودن جمیع اطراف شبهه غیر محصوره است. همان­گونه که بیان شده، ملاک در محلّ ابتلا بودن اطراف، عدم استقباح عرفی خطاب مطلق بدون قید زدن به فرض ابتلا به اطراف است که این ملاک در مثال صادق است. بدین صورت که نهی از پنیر خریدن از هر یک از مغازه های این شهر به نحو مطلق، نهی ای صحیح بوده و استقباح عرفی ندارد.[[1]](#footnote-1) اما با وجود که تک تک اطراف شبهه غیر محصوره در محلّ ابتلا است، اما داعی بر خریدن و خوردن تمام پنیرهای شهر وجود ندارد.

در نتیجه هر چند جمیع اطراف در شبهه غیر محصوره می تواند در محلّ ابتلا باشد اما داعی بر ارتکاب مجموع من حیث المجموع وجود نداشته و همین سبب می­شود، ترخیص در فعل جمیع اطراف، به مخالفت قطعیه منجر نشده و این ترخیص در سلسله علل تحقق خارجی معصیت واقع نگردد. پس چون ترخیص در تمام موارد شبهه غیر محصوره به مخالفت عملیه خارجیه منجر نمی­شود، اشکالی در چنین ترخیصی وجود ندارد.

به عبارتی دیگر، از نظر عقلایی تفویت قطعی مصالح واقعیه جایز نیست و در شبهه غیر محصوره هر چند ترخیص در ارتکاب جمیع اطراف، موجب تقویت احتمالی مصلحه واقعیه است اما موجب تفویت قطعی مصلحت واقعی نبوده و همین در نبود ارتکاز، کفایت می­کند. زیرا اگر تفویت احتمالی مصلحت واقعیه از نظر عقلایی قبیح بود، ترخیص در شبهات بدویه نیز نباید اتفاق می­افتاد.

باید دقت داشت: این بحث با کلام مرحوم نائینی که فرموده: در شبهات غیر محصوره قدرت بر ارتکاب جمیع اطراف وجود ندارد، کاملاً متفاوت است. بیان ما حتی در فرض قدرت بر ارتکاب جمیع اطراف نیز جاری است. بدین صورت که هر چند شخص می­تواند جمیع اطراف را مرتکب شود اما چون اولاً ادله اصول اطلاق داشته و شبهات مقرون به علم اجمالی را شامل است و از سویی دیگر، روایات خاصه دالّ بر تنجیز علم اجمالی مختص به شبهه محصوره است و تفویت قطعی مصلحت واقعی که از منظر عقلایی قبیح است، در شبهات غیر محصوره با ترخیص در جمیع اطراف، عملا و در خارج تحقق پیدا نمی­کند، پس دلیلی بر منع اطلاق ادله اصول وجود نداشته و در نتیجه اصل در جمیع اطراف شبهه غیر محصوره جریان خواهد داشت.[[2]](#footnote-2)

البته به نظر می­رسد، روح قضیه به ترخیص مشروط بازگشت داشته و حتی ترخیص در مخالفت قطعیه نیز نمی­باشد. بدین معنا که اجازه در هر یک از اطراف، مشروط است و به نحو مطلق جمیع اطراف تجویز نشده زیرا داعی بر ارتکاب جمیع اطراف عقلا وجود ندارد. پس دلیل نسبت به ترخیصی که به مخالفت قطعیه منجر شود، اطلاق ندارد.

تا بدین جا سخن در این بود که آیا علم اجمالی در شبهه غیر محصوره با توجه به ادله اصول از تنجیز ساقط است؟ همانگونه که بیان شد: ادله اصول در جمیع اطراف شبهه غیر محصوره جریان داشته و مانعی برای این جریان نیست. اما آیا علم اجمالی در شبهه غیر محصوره ذاتاً و به علت کثرت و بدون در نظر گرفتن ادله اصول، از تنجیز ساقط می­شود؟

**سقوط علم اجمالی از تنجیز در شبهات غیر محصوره بدون در نظر گرفتن ادله اصول**

اصلی­ترین بیانی که در سقوط ذاتی علم اجمالی از تنجیز در شبهات غیر محصوره بیان شده، وجود اطمینان است بدین معنا که با دست گذاردن بر هر طرف، اطمینان وجود دارد که این طرف معلوم بالاجمال نیست و چون اطمینان حجتی عقلایی است، اثبات می­شود معلوم بالاجمال در این طرف نیست.

این بیان، مفصّل در کلام اصولی ها مانند شهید صدر;[[3]](#footnote-3) بررسی شده که ما تنها به نحو چکیده درباره آن بحث می­کنیم. منابعی که درباره این بحث، نکاتی را دارند از این قرار است: حاشیه درر مرحوم حاج شیخ،[[4]](#footnote-4) اصول فقه مرحوم اراکی،[[5]](#footnote-5) [[6]](#footnote-6) مرحوم شیخ مرتضی حائری در مبانی الاحکام، هر چند آقای طاهری در تقریرات درس مرحوم داماد مطلب خاصی را در بحث شبهه غیر محصوره نقل نکرده، اما به نظر می رسد مرحوم داماد مباحثی را مطرح کرده باشند. شهید صدر; نیز مفصّل در این باره بحث کرده که شبیه بسیاری از مباحث ایشان در درر مرحوم حاج شیخ و کلام مرحوم شیخ مرتضی حائری وارد شده اما ایشان مباحث را ترتیب داده و تبیین نموده است.[[7]](#footnote-7)

اشکالی در این رابطه وجود دارد که حاج شیخ در درر[[8]](#footnote-8) نیز بدان اشاره کرد، بدین نحو که لازمه اطمینان به عدم در هر یک از اطراف، اطمینان به عدم در جمیع اطراف است و این اطمینان با علم اجمالی به وجود حرام در برخی از اطراف قابل جمع نیست. به عبارتی دیگر، معقول نیست از یک طرف اطمینان به سالبه کلیه داشته باشیم و از طرفی دیگر، علم به موجبه جزئیه وجود داشته باشد.

در پاسخ به این اشکال بیان شده، اطمینان به نحو بدلی است و شهید صدر; بدان اشکال گرفته که اطمینان بدلی معقول نیست. اما همان کسانی که اطمینان بدلی را طرح کرده اند آن را توضیح داده اند که توضیح آنان چیزی غیر از کلام شهید صدر; که در انتها بیان می کنند، نیست.

در توضیح اطمینان بدلی گفته شده: اگر اطمینان به اینکه معلوم بالاجمال در طرف الف نیست، مطلق باشد بدین صورت که معلوم بالاجمال و لو در سایر اطراف نباشد، در این طرف نیست، این اطمینان موجب اطمینان

به سالبه کلیه است. اما مراد از اطمینان در این جا چیز دیگری است بدین صورت که اطمینان داریم معلوم بالاجما ل در طرف الف نبوده و در سایر اطراف است. حال اگر اطراف علم اجمالی را هزار مورد فرض کنیم، در هر یک از اطراف اطمینان داریم که معلوم بالاجمال در این طرف نبوده و در یکی از 999 طرف دیگر است. روشن است که این اطمینان منجر به حصول اطمینان به نبود معلوم بالاجمال در کل نخواهد بود تا با علم اجمالی تناقض داشته باشد. پس اشکالی از این ناحیه وجود نداشته و اطمینان وجود دارد اما آیا این اطمینان حجت است؟

مرحوم حاچ شیخ مرتضی حائری بیان کرده: هر چند نسبت به هر طرف، اطمینان داریم که معلوم بالاجمال در این طرف نبوده و در سایر اطراف است و در واقع مثلاً هزار اطمینان داریم که معلوم بالاجمال در این طرف نبوده و در 999 طرف دیگر است، اما این اطمینان­ها به علت تعارض با هم معتبر و حجت نیستند. شهید به تفصیل مباحثی جدید را در پاسخ به این اشکال بیان کرده و در سه مستوی، سعی نموده­اند اثبات کنند تعارضی بین این اطمینان­ها نیست. ما هر چند وارد سه مستوای بحث ایشان نمی­شویم، اما با بیانی که نزدیک به بیان شهید صدر; است، اشکال تعارض را پاسخ می­دهیم.

در پاسخ به اشکال تعارض، دقت به دو نکته ضروری است. اول آنکه: علم اجمالی تک تک اطراف را تنجیز نکرده و تنها معلوم بالاجمال را تنجیز می­کند اما چون نمی­توانیم معلوم بالاجمال را تعیین کنیم، باید برای اتیان متعلق تکلیف، تمام اطراف اتیان شود. دو آنکه: اطمینان همان­گونه که در مرحله اثبات تکلیف، نفیاً و اثباتاً اثر دارد در مرحله سقوط تکلیف و امتثال نیز، اطمینان به امثتال کفایت می­کند. حال با توجه به این دو نکته باید گفت: در موارد علم اجمالی در شبهات غیر محصوره، فعل یکی از اطراف با ترک 999 طرف دیگر، موجب اطمینان به امثتال تکلیف است . حال با توجه به این که امتثال به این نحو در قالب هزار مصداق قابل تطبیق است بدین صورت که مکلف می­تواند طرف اول را انجام دهد و 999 طرف دیگر را ترک کند یا طرف دوم را انجام دهد و 999 طرف دیگر را ترک کند یا .... تعارضی بین این اطمینان­ها وجود ندارد. در نتیجه در ارتکاب هر یک از اطراف علم اجمالی با ترک سایر اطراف، اطمینان به امتثال وجود داشته و این اطمینان به امتثال در هر هزار طرف قابل تطبیق است.

البته باید دقت داشت: این بیان تنها عدم وجوب موافقت قطعیه را اثبات می­کند و توانایی نفی حرمت مخالفت قطعیه را ندارد و همین میزان در بحث ما کافی است.

همان­گونه که روشن است، بحث ما در اطمینان در مرحله سقوط و امتثال تکلیف است نه در مرحله ثبوت تکلیف. شهید صدر; هر چند در ابتدای بحث،[[9]](#footnote-9) بحث را با مرحله ثبوت تکلیف آغاز کرده اما در انتها و به هنگام نتیجه­گیری، اطمینان به امثتال با اجتناب از جمیع اطراف الا یک مورد را مطرح کرده است.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه) https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. مثال خروج از محلّ ابتلا این است که شخص علم اجمالی به حرمت پنیرهای مغازه­ای در شهر خود و مغازه­ای در لندن را دارد. در این فرض، نمی­توان نسبت به پنیر موجود در مغازه خاص در لندن، نهی مطلق داشت بلکه باید نهی را به فرض ابتلا قید زد که همین نشانگر خارج از محلّ ابتلا بودن پنیر موجود در مغازه لندن است. [↑](#footnote-ref-1)
2. باید دانست: این بحث مجزا از بحثی است که در آینده درباره تدریجیات خواهد آمد مانند زنی که می داند سه روز از ایام ماه حیض است. بحث تدریجیات نکات متفاوت و مجزّایی دارد که در جایگاه خویش درباره آن بحث خواهیم کرد. [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول (تقریر حائری)، السید محمد باقر الصدر، ج4، ص136. [↑](#footnote-ref-3)
4. دررالفوائد ( طبع جديد )، ص: 471 [↑](#footnote-ref-4)
5. به احتمال زیاد کتاب اصول فقه مرحوم اراکی، سخنان مرحوم حاج شیخ است که در درس مطرح شده و مرحوم اراکی آن را تقریر کرده­اند. یکی از شواهد بر این مدعا، وجود عین مباحث در کلام مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری است. [↑](#footnote-ref-5)
6. أصول الفقه، ج‏2، ص: 158 [↑](#footnote-ref-6)
7. برخی از کلامات مرحوم داماد در سخنان شهید صدر; وارد شده که احتمال دارد به علت توارد خاطر بوده و محتمل است تقریرات درس مرحوم داماد در اختیار شهید صدر; بوده است. از آقای سید مصطفی محقق نقل شده که شهید صدر; در نجف به بنده گفت: من شاگرد با واسطه پدر شما هستم زیرا آقا موسی صدر حرف­های پدر شما را برای من نقل کرده و من استفاده می­کنم. [↑](#footnote-ref-7)
8. دررالفوائد ( طبع جديد )، ص: 471 [↑](#footnote-ref-8)
9. مباحث الأصول (تقریر حائری)، السید محمد باقر الصدر، ج4، ص139. [↑](#footnote-ref-9)